

دگرگونی در ساختار فرهنگ‌های یک‌زبانه

نرگس انتخابی

این نوشته در پی نشان دادن آن‌است که دگرگونی‌ای که در یک سده گذشته در طیف مخاطبان فرهنگ‌های عمومی یک‌زبانه رخ داده، چه تأثیری بر ساختار این فرهنگ‌ها گذاشته است. در آغاز ببینیم تعریف علمی فرهنگ چیست و ساختار آن چگونه مورد بررسی قرار می‌گیرد. فرهنگ مجموعه‌ای است محدود از واژگان یا واحدهای واژگانی یک زبان (فرهنگ یک‌زبانه) یا چند زبان (فرهنگ دو یا چندزبانه) که با نظم و آرایش خاص گردآوری شده است. نظم و آرایشی که فرهنگ‌نگار برای ارائه فرهنگ برمی‌گزیند، به شکل‌گیری ساختار فرهنگ می‌انجامد.

تلاش‌های بسیاری از سوی نظریه‌پردازان فرهنگ‌نگاری برای دستیابی به تعریفی جامع و مانع از ساختار فرهنگ‌ها صورت گرفته است. نوشته حاضر با استناد به نظریه زبان‌شناس برجسته یاکوف مالکیل^۱ تهیه شده است. براساس نظریه مالکیل، فرهنگ‌ها را می‌توان بر پایه سه سنجه بررسی کرد که عبارتند از: گستره، دیدگاه و عرضه.

گستره فرهنگ به اطلاعات ارائه شده در محور طولی فرهنگ می‌پردازد، جامعیت و شمول واژگانی آن را بررسی می‌کند و به زبانهای دخیل در آن اشاره دارد. گستره فرهنگ بدنه اصلی فرهنگ یا کلان‌ساخت^۲ آن را تشکیل می‌دهد.

دیدگاه فرهنگ به روشی می‌پردازد که فرهنگ‌نگار در گردآوری و ارائه اطلاعات زبانی برگزیده است. به سخن دیگر، آیا بررسی واژگانی فرهنگ‌نگار در زمانی^۳ بوده است یا هم‌زمانی^۴؛ یعنی نگاه فرهنگ‌نگار به زبان در گستره تاریخ بوده یا زبان در محدوده زمانی خاص مورد بررسی قرار گرفته است. **عرضه فرهنگ** به اطلاعات ارائه شده در محور عرضی فرهنگ می‌پردازد، سبک و لحن زبان و شیوه ارائه تعاریف را در فرهنگ‌های یک‌زبانه و مابزه‌های زبانی در فرهنگ‌های دوزبانه بررسی می‌کند و بر مآخذ انتخاب شواهد انگشت می‌گذارد. دیدگاه و عرضه فرهنگ، خردساخت^۵ فرهنگ‌ها را پی می‌ریزد. حال ببینیم کلان‌ساخت و خردساخت فرهنگ‌ها در سده گذشته دستخوش چه تحولاتی گشته است. در ابتدا نگاهی به تاریخچه تهیه فرهنگ انگلیسی آکسفورد^۶ (OED) می‌اندازیم. در پیشگفتار این

1. Yakov Malkeil

3. diachronic

5. microstructure

2. macrostruture

4. synchronic

6. Oxford English Dictionary

فرهنگ عظیم الجثه آمده است که از آغاز کار رابرت کادری^۱ (۱۶۰۴) که اساس فرهنگ خود یعنی یک فهرست الفبایی^۲ را ارائه وام واژه‌های "دشوار" عبری، یونانی، لاتین و... قرار داده بود تا زمان انتشار فرهنگ آکسفورد (۱۹۳۳)، فرهنگ‌نگاری انگلیسی سه مرحله را پشت سر گذاشته است. ابتدا کلان‌ساخت یا بدنه فرهنگ‌ها گسترش یافته یعنی با انتخاب بازتر مدخل‌های فرهنگ، محور طولی فرهنگ‌ها بزرگتر شده، سپس به ابتکار دکتر ساموئل جانسون شواهدی برای توجیه معانی به فرهنگ‌ها افزوده شد، یعنی محور عرضی فرهنگ‌ها گسترش یافته و جزئیات بیشتری به خردساخت راه یافته و در آخر واژگان عمومی زبان به فرهنگ‌ها راه یافته‌اند که این باز به گسترش محور طولی فرهنگ‌ها انجامیده است. [تصویر فرهنگ‌نگاران این بوده که فرهنگ باید حتماً یکی از حجیم‌ترین کتاب‌های موجود باشد]. در همین پیشگفتار آمده است که هدف فرهنگ آکسفورد "ارائه فهرست الفبایی جامعی از واژگان زبان انگلیسی از دوران (۱۱۵۰) [تأکید از نگارنده است] تا به امروز است. در کنار این فهرست، سایر اطلاعات زبانی همچون سبک، سابقه تاریخی، تلفظ و ریشه واژگان نیز درج گردیده است." از زبان جیمز ماری^۳، شناخته‌شده‌ترین و پرسابقه‌ترین سرویراستار فرهنگ آکسفورد، می‌خوانیم که "واژگان ارائه شده در فرهنگ آکسفورد از میان واژگان علمی و فلسفی برگزیده شده‌اند و تعمداً عنایت چندانی به کلمات عامیانه و اصطلاحات نشده است، زیرا گروه اول راه به ادبیات می‌برند [و به تعبیری جاودانه می‌شوند] درحالی‌که گروه دوم در سطح تداول شفاهی باقی می‌مانند."

حال ببینم فرهنگ آکسفورد در زمان خود برای چه مخاطبانی تهیه شده بود و هدف آنان از ارجاع به این فرهنگ چه بوده است. با توجه به وضعیت اجتماعی آغاز سده بیستم طیف مخاطبان این فرهنگ را خواص و اعیان و فرهیختگان ادبی می‌ساخته‌اند. این اشخاص برای پیدا کردن معنای کلمات دشوار ادبی و فلسفی و مطالعه شواهد تاریخی به این فرهنگ مراجعه می‌کرده‌اند. کمالینکه امروزه هم اگر در پی تحول تاریخی معنای کلمه باشیم، این فرهنگ کارآمدترین منبع زبان انگلیسی است.

اکنون نگاهی هم به مقدمه لغت نامه دهخدا یا بدیل فارسی فرهنگ آکسفورد می‌اندازیم و می‌خوانیم که "فرهنگ‌های فارسی که تاکنون... تألیف شده به هیچ وجه احتیاج طالبان علم و ادب [تأکید از نگارنده است] را بر نمی‌آورد... در دیگر جای همین مقدمه از زبان شادروان دکتر محمد معین آمده است: "وظیفه ایرانیان است که این میراث ارجمند [زبان فارسی] را با کمال امانت به اخلاف خود بسپارند، و بکوشند تا خلل و فساد و وهن بدین حصن حصین راه نیابد، و هر بی‌خبر تنک‌مایه‌ای در آن دخل و تصرف نکند. این مقصود آنگاه حاصل آید که در لغت فارسی، اثری جامع تألیف شود که آئینه تمام‌نمای تحول زبان فارسی [تأکید از نگارنده است] در قرن‌های گذشته باشد."

پس هدف دو فرهنگ یاد شده را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

1. Robert Cawdrey
3. James Murray

2. A Table Alphabetical

۱. تهیه فهرستی جامع از واژگان زبان
۲. ارائه شواهدی از متون کهن ادبی و فلسفی برای توجیه این معانی
۳. نشان دادن سیر تحوّل تاریخی و معنایی کلمه در زبان

این اهداف با توجه به مخاطبان این فرهنگ‌ها که "طالبان علم و ادب" بوده‌اند، گستردگی ارائه اطلاعات تاریخی را در کلان‌ساخت و خردساخت این فرهنگ‌ها پی‌ریزی کرده است.

برای روشن‌تر شدن مطلب به یک مدخل از لغت‌نامه دهخدا مراجعه می‌کنیم و ساختار آن را بررسی می‌کنیم. از جلد نهم صفحات ۷-۱۳۷۲۶، مدخل "طویله" را برگزیده‌ایم: این مدخل که حدود یک ستون کامل از قطع رحلی این فرهنگ را به خود اختصاص داده، با استناد به ریشه عربی کلمه، طویله را تأنیث طویل و به معنای "زن درازبالا" می‌آورد و برای توجیه این معنی به بیش از سیزده بیت شعر از زبان عنصری و فرّخی و منوچهری و سوزنی و سنائی و دیگران می‌پردازد. سپس به "استعمال" فارسی آن اشاره می‌کند که مترادف اصطبل است و باز با استناد به چندین بیت شعر از زبان سعدی و مولوی و کاتبی، کاربرد امروزی‌تر آن را نشان می‌دهد.

حال از دید یاکوف مالکیل به لغت‌نامه دهخدا نگاه می‌کنیم. از لحاظ گستره، لغت‌نامه فرهنگی است بسیار حجیم، به عبارت دیگر شمول و جامعیت واژگانی آن، با توجه به مخاطبان مورد نظر، در خور توجه و تحسین است. دیدگاه لغت‌نامه در ارائه اطلاعات زبانی کاملاً تاریخی است، به طوری که معادل و کاربرد امروزی کلمه طویله به بخش آخر این مدخل منتقل شده است و معادل اول آن موجب حیرت فارسی‌زبان امروزی می‌گردد. شواهد متعدّد انتخاب شده برای عرضه لغت‌نامه نیز تماماً از متون ادبی کهن برگرفته شده‌اند. لغت‌نامه دهخدا امروز هم برای کسانی که در پی کشف اسرار متون کهن هستند، جامع‌ترین منبع زبان فارسی است.

اگر به مدخل "stable" در فرهنگ انگلیسی آکسفورد نگاه کنیم، متوجه شباهت‌های ساختاری فرهنگ‌های تاریخی یک‌زبانه با هم می‌شویم. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد هم، مدخل "stable" بسیار حجیم است. در کنار مدخل، تلفظ کلمه براساس الفبای آوانگار بین‌المللی و ردیابی ریشه کلمه در فرانسه باستان و لاتین و اسپانیایی و ایتالیایی و رومانیایی و یونانی باستان آمده و سپس نه‌گونه از املاهای قدیمی و چهار صیغه جمع قدیمی این کلمه آورده شده‌اند. تنها در زیر معنای اول کلمه "stable" هفده شاهد از سال ۱۲۵۰ تا ۱۹۰۹ میلادی آمده است.

اما زمانه به پیش می‌رود و ما را با خود به پیش می‌برد. با فراگیرتر شدن تحصیلات عمومی در طول سده گذشته، طیف مراجعه‌کنندگان به فرهنگ دستخوش تحوّل بنیادی گشته است. کاربران امروزی فرهنگ‌ها دیگر منحصرأ "ادبا و فضلا" نیستند. طیف وسیعی از دانش‌آموزان و دانشجو گرفته تا اشخاص عادی کاربران امروزی فرهنگ‌ها را تشکیل می‌دهند. در مقدمه فرهنگ معاصر فارسی امروز به قلم غلامحسین صدری افشار، نسرین حکمی و نسترین حکمی آمده است: "پیش از این، تصوّر فرهیختگان

ما از فرهنگ، کتابی بود که در آن انبوهی از واژگان مکتوب گردآوری و برای هر یک مترادف یا معادلی، گاه با نقل شاهدهایی از متن‌های ادبی قدیم فارسی نوشته شده بود. حال آنکه فارسی زبان امروزی، جز در متن‌های ادبی قدیم با هیچ‌یک از این واژه‌ها سروکار ندارد، بلکه او نیازمند دانستن معنی هزاران اصطلاح، تعبیر، کنایه و شناختن هزاران پدیده علمی، فنی، اجتماعی و فرهنگی تازه است که با آنها روبروست.^۱ اگر به همان مدخل "طویل" در این فرهنگ نگاه کنیم، در کنار تلفظ و مقوله دستوری تنها معنای امروزی این کلمه آمده است. چند سطر پایین‌تر در این فرهنگ و چند صفحه بعدتر در لغت‌نامه مدخل "طیف" قرار دارد. در فرهنگ معاصر فارسی امروز بیش از یک ستون به توضیحات و زیرمدخل‌ها و مدخل‌های فرعی و ترکیبی با طیف پرداخته شده است، از جمله: طیف اتمی، طیف الکترومغناطیسی، طیف الکترونی، طیف پیوسته، طیف جذبی، طیف جرقه‌ای، طیف خطی، طیف صدوری و... حال آنکه در لغت‌نامه تنها چهار ترکیب علمی با طیف آمده است که عبارتند از طیف شمس، طیف مغناطیسی، طیف‌نما و طیف نور.

این بار در فرهنگ جدید آکسفورد مصور^۱ مدخل "stable" را دنبال می‌کنیم و می‌بینیم در خردساخت نه تنها مثالی برای این کلمه نیامده بلکه تلفظ آن هم به شیوه‌ای ساده و با استفاده از امکانات خط انگلیسی ارائه شده است و اثری هم از ریشه‌شناسی و املاهای قدیمی کلمه دیده نمی‌شود. بار دیگر با التفات به شاخص‌های مالکیل فرهنگ‌های امروزی را بررسی می‌کنیم. درست است که فرهنگ‌های امروزی در کلان‌ساخت یا گستره خود بسیار محدودتر از فرهنگ‌های تاریخی هستند اما واژگانی به این فرهنگ‌ها راه یافته‌اند که از زبان عامیانه و اصطلاحات صرفاً علمی برگزیده شده‌اند؛ یعنی همان واژگانی که دکتر جانسون عمداً کنار گذاشته بود. پس فهرست واژگان فرهنگ‌های امروزی از منابعی بسیار گسترده برگزیده می‌شود. پوشش زبانی فرهنگ‌های امروز دیگر تنها به معنی جامعیت و شمول نیست؛ بلکه به روز بودن، تنوع در گزینش واژگان و ارائه گزارشی دقیق و موثق از واژگان رانیز در بر می‌گیرد. دیدگاه فرهنگ‌نگاران امروزی نیز در گردآوری اطلاعات زبانی شدیداً دگرگون گشته است. فرهنگ‌نگار امروزی بررسی در زمانی واژگان را وانهاده، زبان را در محدوده خاص زمانی یعنی زبان روز بررسی می‌کند. انبوه واژگان گفتاری و عامیانه همچون "خالی بستن" و "خالی‌بندی" و "خالی‌بند" که در روزگار ما اجازه ورود به فرهنگ‌ها را یافته‌اند، با برداشتی بی‌طرفانه و فارغ از برجسب‌های اخلاقی به زبان بوده است. چنین دیدگاهی تأثیر مستقیم بر عرضه فرهنگ‌های عمومی یک‌زبانانه گذاشته است. دیگر شواهد الزاماً از متون مکتوب ادبی و فلسفی انتخاب نمی‌شوند، بلکه توجه خاص به زبان گفتاری و نوشتاری و اصطلاحات علمی روز می‌شود و از آنجاکه قرار نیست سیر تحوّل تاریخی واژه نشان داده شود، نیازی هم به شواهد بی‌شمار وجود ندارد. یعنی با وجود اینکه مآخذ انتخاب شواهد بسیار بازر

هستند، فرهنگ‌های امروزی در محور عرضی چندان حجیم نیستند. از دیگر سو توجه بنیادی به نیازهای روز کاربران، فرهنگ‌نگاران را وا داشته که در خردساخت به جنبه‌های صوری ارائه اطلاعات از جمله سهل الوصول بودن و کاربرپسندی عنایت ویژه‌ای بکنند. در زمانه شتاب دیگر کاربران وقت و حوصله واکاویدن مقالات مفصل ادیبانه و حکیمانه را در زیرمدخل‌های فرهنگ ندارند، بلکه تنها به دنبال رفع نیازهای مبرم و یافتن پاسخ قانع‌کننده برای مشکلات خود هستند. برآوردن چنین نیازی موجب توجه به آرایش صوری فرهنگ‌ها و صفحه‌آرایی شکیل و روشن گشته است؛ امری که در فرهنگ‌های تاریخی کاملاً نادیده گرفته می‌شود. به سخن دیگر، با اینکه فرهنگ‌های امروزی در محور عرضی چندان حجیم نیستند، اما عرضه اطلاعات در آنها بسیار ظریف‌تر و موشکافانه‌تر صورت می‌گیرد.

امروزه فرهنگ‌ها به عنوان ابزاری علمی-کاربردی به رفع مشکلات زبانی روز مخاطبانی گسترده و متفاوت از هر طبقه و با هر میزان از تحصیلات می‌پردازد. فرهنگ‌نگار امروزی هم تلاش می‌کند ساختار فرهنگ را با توجه خاص به نیازهای طیف متنوع کاربران امروز مدون سازد. □

پی‌نوشت

مالکیل نظریه خود را در دو مقاله زیر بیان کرده است:

- 1- "A Typological Classification of Dictionaries on the Basis of Distinctive Features".
- 2- "Distinctive Features in Lexicography: A Typological Approach to Dictionaries, Exemplified with Spanish".

چکیده‌ای از نظریه مالکیل در کتاب زیر نیز آمده است؛ اما از آنجا که نویسنده این نظریه را برای اهداف آموزشی بسیار محققانه و ظریف دانسته، تنها اشاره‌ای گذرا به آن کرده و به بیان نظریه خود که مناسبت بیشتری با اهداف آموزشی دارد بسنده کرده:

Landau, Sidney I, *Dictionaries: The Art and Craft of Lexicography*, Cambridge University Press, 2001.

صبحدم مرغ چمن با گل نو خاسته گفت
 ناز کم کن که درین باغ بسی چون تو شکفت
 گل بختدید که از راست نرنجیم ولی
 هیچ عاشق سخن سخت به معشوق نگفت
 گر طمع داری از آن جام مرصع می لعل
 ای بسا دُر که بنوک مژدهات باید سفت
 تا ابد بوی محبت به مشامش نرسد
 هر که خاک در میخانه به رخساره نرفت
 در گلستان ارم دوش چو از لطف هوا
 زلف سنبل به نسیم سحری می آشف
 گفتم ای مسند جم جام جهان بینت کو
 گفت افسوس که آن دولت بیدار بخت
 سخن عشق نه آنست که آید به زبان
 ساقیا می ده و کوتاه کن این گفت و شنفت
 اشک حافظ خرد و صبر به دریا انداخت
 چکند سوز غم عشق نیارست نهفت

Thus spoke at dawn the field-bird to the newly wakened rose:
 "Be kind, for many a bloom like you in this meadow grows."
 The rose laughed: "You will find that we at truth show no distress
 But never did a lover with harsh words his love so press.
 If ruby wine from jewelled cup it is your wish to drink,
 Then pearls and corals pierced with eyelash you must strive to link,
 Love's savour to his nostrils to entice he ne'er can seek,
 Who on the tavern's earthy floor has not swept dusty cheek."
 In Iram's garden yesternight, when, in the grateful air,
 The breeze of coming day stirred the tress of hyacinth fair,
 I asked: "Throne of Jamshid, where is thy world-revealing cup?"
 It sighed: "That waking fortune deep in sleep lies muffled up."
 They are not always words of love that from the tongue descend:
 Come, bring me wine, O taverner, and to this talk put end.
 His wit and patience to the waves are cast by Hafiz' tears.
 What can he do, that may not hide how love his being sears?

R. Levy